

Designing a Community-Based Ecotourism Model for the Tourism Sector of Chaharmahal and Bakhtiari Province

1. Leila Soltani[✉]: Department of Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

2. Mehrdad Sadeghi^{*}: Department of Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Ali Rashidpour[✉]: Department of Management, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran

4. Sadeqh Sadeghi[✉]: Department of Mathematics, Skh, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Mehrdad1361@iau.ac.ir

How to Cite: Soltani, L., Sadeghi, M., Rashidpour, A., & Sadeghi, S. (2026). Designing a Community-Based Ecotourism Model for the Tourism Sector of Chaharmahal and Bakhtiari Province. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 4(3), 1-23.

Abstract:

This study aimed to develop a locally grounded community-based ecotourism model for Chaharmahal and Bakhtiari Province by identifying mechanisms related to community empowerment, participatory decision-making, environmental conservation, and the retention of tourism-generated economic benefits within local destinations. This qualitative study employed thematic analysis. The participants consisted of eight tourism-sector practitioners and two managers and experts from the agricultural and cultural heritage sectors, selected through purposive and snowball sampling. Data were collected through semi-structured interviews based on seven principal questions. The content validity of the interview framework was reviewed and confirmed by two university professors. Following transcription, the interviews were analyzed through systematic familiarization with the data, initial coding, theme development, theme review, and the definition and naming of themes. The analytical process generated 29 basic themes, which were subsequently organized into 16 organizing themes and four overarching themes. The conceptual relationships among the extracted themes indicated that an effective community-based ecotourism model is structured around four interdependent dimensions: empowerment, local participation, environmental conservation, and economic benefits. Empowerment enhances the capacity of local communities to enter and control the tourism value chain through tourism skills development, entrepreneurship, marketing, local business development, and improved access to markets, capital, and permits. Local participation, encompassing economic, cultural, governance, and capacity-building dimensions, shifts communities from passive beneficiaries to active decision-makers and destination managers. Environmental conservation becomes sustainable when tourism-impact management, legal support, direct community involvement, and the redistribution of tourism benefits are institutionally interconnected. Furthermore, strengthening linkages between tourism and the local economy and minimizing economic leakage were identified as essential mechanisms for retaining benefits within the destination. Sustainable community-based ecotourism in Chaharmahal and Bakhtiari requires an integrated governance system in which empowerment, participation, environmental conservation, and equitable economic benefits mutually reinforce one another. Tourism policies should therefore recognize local communities simultaneously as beneficiaries, decision-makers, economic actors, and custodians of destination resources.

Keywords: Community-Based Ecotourism; Sustainable Tourism; Local Community Empowerment; Local Participation; Environmental Conservation; Tourism Economic Benefits.

Received: 06 April 2026

Revised: 25 August 2026

Accepted: 01 September 2026

Initial Publication: 14 September 2026

Final Publication: 23 September 2026



طراحی مدل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در بخش گردشگری استان چهارمحال و بختیاری

۱. لیلا سلطانی¹: گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۲. مهرداد صادقی²: گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. علی رشیدپور³: گروه مدیریت، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۴. صادق صادقی⁴: گروه ریاضی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Mehrdad1361@iau.ac.ir

نحوه استناددهی: سلطانی، لیلا، صادقی، مهرداد، رشیدپور، علی، و صادقی، صادق. (۱۴۰۵). طراحی مدل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در بخش گردشگری استان چهارمحال و بختیاری. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۴(۳)، ۱-۲۳.

چکیده

دف این پژوهش، طراحی مدلی بومی برای اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در استان چهارمحال و بختیاری با تمرکز بر سازوکارهای توانمندسازی جوامع محلی، مشارکت در تصمیم‌گیری، حفاظت محیط‌زیست و ماندگاری منافع اقتصادی گردشگری در مقصد بود. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل هشت نفر از فعالان حوزه گردشگری و دو نفر از مدیران و کارشناسان حوزه‌های جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی بودند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شد و چارچوب مصاحبه مشتمل بر هفت پرسش اصلی بود. روایی محتوایی پرسش‌های مصاحبه با نظر دو نفر از استادان دانشگاه بررسی و تأیید شد. مصاحبه‌ها پس از اجرا پیاده‌سازی و داده‌ها طی فرایند نظام‌مند آشنایی با داده‌ها، کدگذاری اولیه، شکل‌دهی مضامین، بازبینی، تعریف و نام‌گذاری مضامین تحلیل شدند. در فرایند تحلیل، ۲۹ مضمون پایه استخراج و در قالب ۱۶ مضمون سازمان‌دهنده و چهار مضمون فراگیر طبقه‌بندی شد. تحلیل روابط مفهومی میان مضامین نشان داد که مدل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه بر چهار سازه به‌هم‌پیوسته «توانمندسازی»، «مشارکت محلی»، «حفاظت از محیط‌زیست» و «منافع اقتصادی» استوار است. توانمندسازی از طریق توسعه مهارت‌های گردشگری، کارآفرینی، بازاریابی، کسب‌وکارهای محلی و تسهیل دسترسی به بازار، سرمایه و مجوزها، ظرفیت جامعه برای ورود مؤثر به زنجیره ارزش گردشگری را تقویت می‌کند. مشارکت محلی نیز با دربرگرفتن ابعاد اقتصادی، فرهنگی، حکمرانی و ظرفیت‌سازی، سازوکار اصلی انتقال جامعه از نقش دریافت‌کننده منفعل به نقش تصمیم‌گیر و مدیر مقصد است. همچنین، حفاظت محیط‌زیست زمانی پایدار می‌شود که مدیریت آثار گردشگری، حمایت قانونی و مشارکت مستقیم جامعه با بازتوزیع منافع حاصل از گردشگری پیوند یابد. در نهایت، پیوند گردشگری با اقتصاد محلی و جلوگیری از نشت درآمد، شرط ماندگاری منافع اقتصادی در مقصد شناسایی شد. توسعه پایدار اکوتوریسم در چهارمحال و بختیاری مستلزم استقرار یک نظام یکپارچه است که در آن توانمندسازی، مشارکت، حفاظت محیط‌زیست و توزیع منافع اقتصادی به‌صورت متقابل یکدیگر را تقویت کنند؛ بنابراین، سیاست‌های گردشگری باید جامعه محلی را هم‌زمان به‌عنوان ذی‌نفع، تصمیم‌گیر، بهره‌بردار و حافظ منابع مقصد به رسمیت بشناسند.

کلیدواژگان: اکوتوریسم مبتنی بر جامعه؛ گردشگری پایدار؛ توانمندسازی جوامع محلی؛ مشارکت محلی؛ حفاظت محیط‌زیست؛ منافع اقتصادی گردشگری.

تاریخ دریافت: ۱۷ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ بازنگری: ۳ شهریور ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۰ شهریور ۱۴۰۵

اولین انتشار: ۲۳ شهریور ۱۴۰۵

انتشار نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵



مقدمه

بر اساس گزارش سازمان جهانی گردشگری، صنعت گردشگری یکی از سریع‌ترین صنایع در حال رشد جهان است که بیش از ده درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص داده است (1, 2). تعداد گردشگران بین‌المللی از بیست و پنج میلیون نفر در سال ۱۹۵۰ به ۱۶۶ میلیون نفر در سال ۱۹۷۰ رسید و در سال ۲۰۱۸ به رقم ۱/۴۴۲ میلیارد نفر افزایش یافت؛ همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ این رقم به ۱/۸ میلیارد نفر برسد.

جابه‌جایی چنین حجم عظیمی از گردشگران انسانی، در کنار آثار مثبت خود بر اشتغال، ایجاد ثروت و رونق اقتصادی، پیامدهایی همچون آلودگی زیست‌محیطی نیز به همراه دارد. آلودگی محلی در مقاصد گردشگری ممکن است شامل انتشار گازهای آلاینده، آلودگی صوتی، تولید پسماند و بسیاری موارد دیگر باشد (1, 2). همچنین فعالیت گردشگران منجر به تخریب زیستگاه‌های آسیب‌پذیر مثل جنگل‌های بارانی، سواحل بکر و صخره‌های مرجانی شده و در نتیجه تنوع زیستی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این اثرات منفی، همراه با عوارض دیگر (مثلاً سرریز افراد به مناطق حفاظت‌شده و صدمات ناشی از آتش‌سوزی یا ریختن زباله)، گسترش گردشگری به صورت نامتوازن می‌تواند پیامدهای اجتماعی و فرهنگی منفی قابل توجهی به همراه داشته باشد (2).

با ورود شمار بالایی از گردشگران، فرهنگ بومی بسیاری از جوامع به کالایی برای عرضه به بازدیدکنندگان تبدیل می‌شود و پدیده‌ای موسوم به فرسایش فرهنگی رخ می‌دهد. به بیان دیگر، بازآفرینی آیین‌ها و سنت‌های محلی برای جلب نظر گردشگران، به تدریج از اصالت آن‌ها می‌کاهد و موجب تضعیف هویت فرهنگی جوامع محلی می‌گردد (3). علاوه بر این، افزایش ناگهانی شمار گردشگران می‌تواند موجب بروز مشکلات اجتماعی گردد؛ به‌طور مثال، افزایش هزینه‌های زندگی، رشد قیمت مسکن و کالاها و نیز ازدحام در مقاصد گردشگری، همگی عواملی هستند که به بروز تنش‌های اجتماعی میان گردشگران و ساکنان محلی می‌انجامد. همچنین مطالعات نشان داده‌اند که وابستگی اقتصاد محلی به گردشگری، جوامع را در برابر شوک‌های اقتصادی، رویدادهای طبیعی یا همه‌گیری‌ها آسیب‌پذیر می‌سازد؛ به عبارت دیگر، بروز بحران‌هایی مانند رکود اقتصادی یا بلایای طبیعی می‌تواند جریان سفر را ناگهان متوقف کرده و ناپایداری اجتماعی ایجاد کند (4). از سوی دیگر، ادغام فرهنگی و نفوذ آداب و رسوم بیگانه در جوامع سنتی از دیگر چالش‌های فرهنگی محسوب می‌شود که در نتیجه توسعه ناپایدار گردشگری تشدید می‌گردد (2, 3). در مجموع پایداری گردشگری را به مخاطره می‌اندازد.

با وجود درآمدزایی صنعت گردشگری، پیامدهای اقتصادی منفی نیز قابل توجه است. یکی از مهم‌ترین این مشکلات نشت اقتصادی یا خروج درآمدهای گردشگری از مقصد است. گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از مبالغ صرف‌شده توسط گردشگران به کشورهای مبدأ یا شرکت‌های بین‌المللی بازمی‌گردد؛ برای نمونه، مطالعه‌ای در تایلند نشان داده است بیش از ۷۰٪ درآمد حاصل از گردشگری از کشور خارج می‌شود و تنها کسری ناچیز در اقتصاد محلی باقی می‌ماند. به بیان دیگر، از هر ۱۰۰ دلار هزینه‌شده توسط یک گردشگر، فقط حدود ۵ دلار در مقصد می‌ماند و مابقی به هزینه‌های هواپیما، هتل‌های زنجیره‌ای و واسطه‌های خارجی اختصاص می‌یابد. این موضوع موجب می‌شود اکثر منافع مالی به خارج از جوامع میزبان سرازیر شود و نتواند در توسعه پایدار محلی نقش مؤثری داشته باشد. چالش اقتصادی دیگر، تمرکز فعالیت گردشگری در مناطق محدود و نابرابری درآمدی است. غالباً سرمایه‌گذاری‌های اصلی گردشگری در بخش خصوصی بزرگ یا مناطق شهری انجام می‌شود و جوامع روستایی و نقاط کمتر توسعه‌یافته سهم کمی از گردشگری نصیبشان می‌شود. این وضعیت، با

کاهش انگیزه مشارکت جوامع محلی و ایجاد نارضایتی اجتماعی، می‌تواند باعث تضاد منافع شود. همچنین فقدان برنامه‌ریزی جامع و سیاست‌های حمایتی سبب می‌شود پتانسیل کامل گردشگری در توسعه اقتصادی ملی و منطقه‌ای شناسایی نشده و بهره‌برداری ناپایدار ادامه یابد.

برای غلبه بر مشکلات فوق، مدل‌های گردشگری پایدار از قبیل اکوتوریسم مطرح شده‌اند. اکوتوریسم گونه‌ای از گردشگری طبیعت‌محور است که تأکید آن بر حفظ محیط‌زیست و تأمین منافع جوامع محلی است. بر اساس تعریف سازمان حفاظت محیط‌زیست، اکوتوریسم «مسافرت مسئولانه به مناطق طبیعی است که محیط‌زیست را حفظ کرده، سلامت و زندگی مردم محلی را پایدار ساخته و با آموزش و تفسیر (محیط طبیعی) همراه باشد» (5). اصول بنیادین اکوتوریسم شامل حفاظت محیط‌زیست و آموزش محیطی، حفظ و تجربه میراث فرهنگی و ایجاد منافع اقتصادی برای جوامع میزبان است (1). گردشگری پایدار که هم‌پوشانی بسیاری با اکوتوریسم دارد، تلاشی آگاهانه برای حفظ منابع طبیعی، میراث فرهنگی و بهبود شرایط اجتماعی اقتصادی است. این رویکرد به دنبال کاهش تأثیرات منفی و افزایش تأثیرات مثبت گردشگری است و تأکید می‌کند که صنعت گردشگری باید با فرهنگ و اکوسیستم مقصد هم‌زیستی داشته باشد (6). به عبارت دیگر، اکوتوریسم به جای تمرکز صرف بر سود کوتاه‌مدت، با «کاهش تأثیرات منفی» سفرها و ترویج رفتار مسئولانه در میان گردشگران و میزبانان، به حفاظت بلندمدت از محیط‌زیست و فرهنگ محلی می‌پردازد. از جمله ویژگی‌های آن می‌توان به آموزش گردشگران درباره حساسیت‌های محیطی، مشارکت در پروژه‌های محافظت از طبیعت و حمایت مالی از جوامع محلی اشاره کرد.

در ایران، با وجود منابع طبیعی و فرهنگی غنی، سهم اکوتوریسم از کل گردشگری کشور هنوز ناچیز است (7). در استان چهارمحال و بختیاری وجود جاذبه‌های بکر طبیعی مانند چشمه‌ها، جنگل‌ها، رودخانه‌ها و تنوع قومی، فرصت مناسبی برای توسعه اکوتوریسم فراهم کرده است؛ با این حال، نبود چارچوب‌های بومی‌محور و مشارکت واقعی مردم محلی، موجب شده ظرفیت‌های منطقه به‌طور کامل بالفعل نشود (8). با وجود پتانسیل‌های فراوان طبیعی و فرهنگی در استان چهارمحال و بختیاری و به‌ویژه شهرستان شهرکرد، توسعه اکوتوریسم اغلب به‌صورت متمرکز و بدون مشارکت مؤثر جوامع محلی انجام شده است (7). این وضعیت موجب شده است تا ضمن کاهش حس مالکیت و انگیزه مردم بومی در حفاظت از منابع طبیعی، الگوهای توسعه گردشگری نیز از پایداری اقتصادی و اجتماعی لازم برخوردار نباشند (8). پژوهش انجام‌شده در استان چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که زیرساخت‌های رفاهی و مدیریتی، ضعف در آموزش نیروی انسانی متخصص و کمبود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی از جمله عواملی است که نه تنها مانع رونق اکوتوریسم شده، بلکه به تخریب منابع طبیعی و تهدید معیشت جوامع محلی انجامیده است (9). این واقعیت حاکی از وجود فاصله‌ای معنادار میان ظرفیت‌های بالقوه کشور در حوزه اکوتوریسم و وضعیت موجود بهره‌برداری از این ظرفیت‌هاست. از سوی دیگر، بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که مدل‌های توسعه اکوتوریسم در ایران عمدتاً مبتنی بر رویکردهای بالا به پایین هستند و کمتر به طراحی مدل‌های جامع مبتنی بر مشارکت واقعی جامعه محلی پرداخته‌اند (10). در نتیجه، شکافی میان سیاست‌گذاری‌های کلان گردشگری و واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی وجود دارد که مانع تحقق اهداف اکوتوریسم پایدار شده است. این مطالعه می‌تواند خلأ پژوهشی موجود در زمینه توسعه اکوتوریسم در مناطق کمتر مطالعه‌شده را پر کند و به عنوان یک الگوی کاربردی برای دیگر مناطق مشابه در کشور و حتی منطقه، به پژوهشگران و تصمیم‌گیرندگان کمک کند تا به راهکارهای علمی و عملی در جهت توسعه پایدار و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی برسند. در نهایت، این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر نظریه‌های مشارکت محلی و توسعه پایدار، الگویی بومی و علمی برای اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در شهرستان شهرکرد ارائه دهد تا هم به شکاف‌های پژوهشی موجود پاسخ دهد و هم زمینه‌ساز سیاست‌گذاری‌های کارآمدتر در بخش گردشگری طبیعی کشور شود.

اکوتوریسم مبتنی بر جامعه: اهداف و مزایا

اکوتوریسم به معنای یک رویکرد علمی، زیبایی‌شناختی یا فلسفی است، اگرچه «اکوتوریست» لازم نیست یک دانشمند، هنرمند یا فیلسوف حرفه‌ای باشد. نکته اصلی این است که فردی که اکوتوریسم را انجام می‌دهد، این فرصت را دارد که خود را در طبیعت غرق کند، به‌گونه‌ای که اکثر مردم نمی‌توانند در زندگی روزمره و شهری خود از آن لذت ببرند. این فرد در نهایت به آگاهی و دانشی از محیط طبیعی، همراه با جنبه‌های فرهنگی آن، دست خواهد یافت که او را به فردی مشتاق در مسائل حفاظت تبدیل می‌کند» (11). به‌طور کلی، اکوتوریسم باید اهداف حفاظت و توسعه را برآورده کند (5). اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت تعریف جامع‌تری ارائه داده است: «اکوتوریسم سفر و بازدید مسئولانه از نظر زیست‌محیطی به مناطق طبیعی نسبتاً دست‌نخورده است، به منظور لذت بردن و قدردانی از طبیعت (و هرگونه ویژگی فرهنگی همراه آن - چه گذشته و چه حال) که باعث ترویج حفاظت می‌شود، تأثیر منفی کمی بر بازدیدکنندگان دارد و زمینه مشارکت اجتماعی - اقتصادی مفید و فعال جمعیت‌های محلی را فراهم می‌کند» (5). در برخی منابع دیگر، «اکوتوریسم نوعی گردشگری است که شامل سفر به مناطق طبیعی نسبتاً دست‌نخورده با هدف خاص مطالعه، تحسین و لذت بردن از مناظر و گیاهان و جانوران وحشی آن و همچنین هرگونه جنبه فرهنگی موجود (چه گذشته و چه حال) در این مناطق است».

در اکوتوریسم، جوامع بومی یا جوامع محلی بخش جدایی‌ناپذیری هستند. هر پروژه یا سرمایه‌گذاری برای توسعه اکوتوریسم با نادیده گرفتن جوامع محلی را نمی‌توان اکوتوریسم در نظر گرفت. علاوه بر این، اکوتوریسم مبتنی بر جامعه به این معنی است که یک جامعه از منابع طبیعی خود مراقبت می‌کند تا از طریق راه‌اندازی یک شرکت گردشگری و استفاده از آن درآمد برای بهبود زندگی خود، درآمد کسب کند. این شامل حفاظت، کسب‌وکار و توسعه جامعه است (12). اکوتوریسم مبتنی بر جامعه، به برنامه‌های بوم‌گردی اشاره دارد که تحت کنترل و مشارکت فعال مردم محلی که در یک جاذبه طبیعی ساکن هستند یا مالک آن هستند، انجام می‌شود (13). اکوتوریسم مبتنی بر جامعه از نزدیک با مردم محلی همکاری می‌کند و انگیزه‌ای برای حفاظت ایجاد می‌کند و اغلب در خارج از پارک‌ها در زمین‌های متعلق به مردم محلی فعالیت می‌کند. جوامع بخش جدایی‌ناپذیری از اکوسیستم بوم‌گردی هستند. آن‌ها می‌توانند به پایداری اکوسیستم کمک کنند. جوامع ابتدا باید تحت تأثیر هرگونه تأثیری از مناطق مقصد بوم‌گردی قرار گیرند. برای مشارکت پایدار در بوم‌گردی، برای اکوتوریسم پایدار، مشارکت جوامع در برنامه‌ریزی و مدیریت محلی ضروری است (13).

تأثیرات اکوتوریسم، به عنوان یک استراتژی با پتانسیل ارائه مزایای زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در سطح محلی و ملی پذیرفته شده است. با این حال، مجموعه‌ای از اهداف مشخص یا اصول استاندارد اکوتوریسم به‌طور قطعی وجود ندارد، اما واضح است که هدف اکوتوریسم هدایت مزایای اقتصادی به جوامع محلی است و از این طریق انگیزه بیشتری برای مشارکت مداوم مردم محلی ایجاد می‌کند و در نتیجه شانس بیشتری برای موفقیت در حفاظت از تنوع زیستی ایجاد می‌کند.

در این چارچوب، «گردشگری مبتنی بر جامعه» اهمیت ویژه‌ای دارد. در این مدل، جوامع محلی در کلیه مراحل توسعه گردشگری مشارکت داده می‌شوند. به بیان دیگر، طرح‌ها و تصمیمات مربوط به گردشگری در یک مقصد توسط خود اهالی آن منطقه برنامه‌ریزی و اجرا می‌شود. مطابق آنچه در مقالات پژوهشی آمده، گردشگری مبتنی بر جامعه رویکردی نوآورانه و مشارکتی است که جوامع محلی را در مرکز توسعه گردشگری قرار می‌دهد. همچنین ظرفیت ایجاد رشد اقتصادی

فراگیر، توانمندسازی اقشار محروم و ارتقای پایداری فرهنگی و زیست محیطی در این رویکرد مورد تأکید قرار گرفته است. در دهه‌های اخیر، بسیاری از کشورها با تمرکز بر مدل‌های «اکوتوریسم مبتنی بر جامعه» تلاش کرده‌اند تا ضمن ارتقای کیفیت تجربه گردشگران، از ظرفیت‌های فرهنگی، طبیعی و اجتماعی مناطق بومی برای توسعه پایدار استفاده کنند (12، 13). اکوتوریسم یا گردشگری طبیعی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم گردشگری پایدار، نقشی اساسی در حفاظت از محیط زیست و توانمندسازی جوامع محلی ایفا می‌کند (14). اکوتوریسم فراتر از یک عبارت ساده برای سفرهای طبیعت محور است؛ این نوع گردشگری با هدف حفظ و پایداری تنوع محیط‌های طبیعی و فرهنگی ایجاد شده است. هدف آن ارائه تجربه‌ای به بازدیدکنندگان است که کمترین آسیب را به اکوسیستم‌ها وارد کند و در عین حال از فرهنگ و جوامع محلی حمایت نماید. مسئولیت رعایت اخلاقیات و رفتار مسئولانه بر دوش گردشگران و ارائه‌دهندگان خدمات است. علاوه بر این، اکوتوریسم می‌تواند به اقتصادهای محلی کمک کند، به طوری که جوامع بتوانند با شرکت‌های خارجی رقابت کرده و معیشت خود را بهبود دهند (11، 14). مزیت اصلی گردشگری مبتنی بر جامعه آن است که درآمدهای گردشگری در داخل جامعه محلی باقی می‌ماند. برخلاف گردشگری سنتی که سود عمده به شرکت‌های خارجی می‌رسد، در این مدل درآمد حاصل از تورها و خدمات گردشگری در پروژه‌های توسعه‌ای محلی سرمایه‌گذاری می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد در چنین طرح‌هایی دستمزد عادلانه، فرصت‌های کارآفرینی محلی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی ارتقا می‌یابد. به این ترتیب گردشگری به جای آن که عاملی برای فرار سرمایه باشد، ابزاری برای کاهش فقر و بهبود معیشت اقشار محلی می‌شود. در عمل، گردشگرانی که در برنامه‌های اکوتوریستی مبتنی بر جامعه شرکت می‌کنند، مستقیماً در فعالیت‌های حفاظت محیط زیست و پروژه‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند؛ مثلاً با آموزگاران محلی درباره حفاظت طبیعت هم صحبت می‌شوند یا در اجرای برنامه‌های بازیافت زباله و کاشت درخت همکاری می‌نمایند.

از نظر زیست محیطی نیز اکوتوریسم مبتنی بر جامعه گامی مؤثر است. این رویکرد با اولویت دادن به پایداری منابع طبیعی و کاستن از ردپای اکولوژیک، فشار ناشی از حضور گردشگران را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، گردشگران تشویق می‌شوند که در نحوه حمل و نقل، مصرف انرژی و مدیریت پسماند دقت کنند و بخش عمده‌ای از درآمدها صرف محافظت از زیستگاه‌ها و غنی‌سازی تنوع زیستی گردد. اصولاً اکوتوریسم «تأثیرات منفی گردشگری را بر منابع مقصد کاهش می‌دهد» و نگرش مثبت و مسئولانه‌ای را در گردشگران و میزبانان نسبت به حفاظت محیط زیست ترویج می‌کند. علاوه بر این، جوامع محلی که خود مجری و بهره‌بردار اکوتوریسم هستند، انگیزه و تعهد زیادی برای حفظ محیط پیرامونشان پیدا می‌کنند؛ چرا که منافع اقتصادی آنان با سلامت محیط زیست گره خورده است. از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز گردشگری مبتنی بر جامعه موجب احترام و حفظ فرهنگ محلی می‌شود. این مدل با ارزش‌گذاری بر سنت‌ها و آداب بومی، سعی می‌کند گردشگری را به عاملی برای تقویت هویت فرهنگی تبدیل کند تا عاملی برای تخریب آن. برای نمونه، اجرای نمایشگاه‌های هنرهای سنتی، برگزاری جشنواره‌های محلی و ارائه کارگاه‌های صنایع دستی توسط خود اهالی، ضمن جذب توریست، موجب حفظ تنوع فرهنگی و انتقال دانش بومی به نسل آینده می‌شود. همچنین مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اداره تورها همگرایی اجتماعی را تقویت می‌کند؛ چرا که خودیابی و احساس مالکیت نسبت به سرزمین و میراث فرهنگی‌شان را افزایش می‌دهد و از بروز تنش‌های محلی می‌کاهد.

ایجاد یک مدل اکوسیستم مبتنی بر جامعه برای شهرکرد می‌تواند اهمیت قابل توجهی در توسعه پایدار گردشگری و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان محلی داشته باشد. در این رویکرد، جامعه محلی به عنوان بازیگر اصلی در برنامه‌ریزی، مدیریت و بهره‌برداری از منابع طبیعی و گردشگری نقش ایفا می‌کند و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را به‌طور همزمان ارتقا می‌دهد (12). توسعه چنین مدلی، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا منابع طبیعی و فرهنگی شهرکرد به‌صورت

پایدار مدیریت شوند و از تخریب زیست محیطی و فرسایش فرهنگی جلوگیری گردد. یکی از مهم ترین فواید این مدل، توانمندسازی اقتصادی جوامع محلی است. با مشارکت فعال ساکنان در فرایندهای اکوتوریسم، فرصت های شغلی متنوع ایجاد شده و درآمد محلی افزایش می یابد. این امر به ویژه در مناطق شهری کوچک مانند شهرکرد که ظرفیت های گردشگری بالقوه ای دارد، می تواند به کاهش مهاجرت و افزایش پایداری اجتماعی کمک کند (15). همچنین، مدل اکوسیستم مبتنی بر جامعه امکان تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای هماهنگی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جوامع محلی را فراهم می آورد، که خود باعث بهبود مدیریت منابع و ارتقای تجربه گردشگران می شود. از منظر محیط زیستی، یافتن یک مدل مشخص اکوسیستم مبتنی بر جامعه، موجب می شود که حفاظت از زیستگاه ها و گونه های بومی در اولویت برنامه ریزی ها قرار گیرد و اثرات منفی فعالیت های گردشگری کاهش یابد. علاوه بر این، این مدل می تواند به شناسایی نقاط ضعف و تهدیدات اکولوژیکی کمک کرده و راهکارهای عملی برای مدیریت پایدار منابع ارائه نماید (16).

از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز، این مدل امکان حفظ و ارتقای هویت فرهنگی محلی را فراهم می آورد. مشارکت جامعه در طراحی فعالیت های گردشگری، موجب احترام به سنت ها و ارزش های بومی می شود و از تحریف یا تجاری سازی بیش از حد فرهنگ جلوگیری می کند. همچنین، چنین مدلی می تواند به عنوان الگوی تصمیم گیری مشارکتی در سایر مناطق کشور به کار گرفته شود و نمونه ای موفق از ترکیب توسعه اقتصادی، حفاظت محیطی و ارتقای هویت فرهنگی باشد (17). در جمع بندی، یافتن و پیاده سازی یک مدل اکوسیستم مبتنی بر جامعه برای شهرکرد می تواند مزایای اقتصادی، محیط زیستی و اجتماعی همزمان فراهم آورد، ظرفیت های بالقوه گردشگری را بهینه کند و جوامع محلی را برای مواجهه با چالش های اقتصادی، محیطی و فرهنگی توانمند سازد. این مدل، نقشی کلیدی در تحقق توسعه پایدار و ارتقای رفاه ساکنان محلی ایفا می کند و می تواند به الگویی علمی و عملی برای سایر مناطق مشابه کشور تبدیل شود.

تأثیرات زیست محیطی یکی از چالش های اصلی که اکوتوریسم با آن مواجه است، چگونگی توسعه بدون تخریب محیط زیست است. اگرچه اکوتوریسم نمونه های زیادی دارد که در آن ها تأثیر مثبتی بر محیط زیست داشته است، اما ممکن است پیامدهای منفی زیست محیطی مانند مصرف بیش از حد منابع طبیعی، اختلال در حیات وحش و ازدحام انسان در مناطق طبیعی از طریق افزایش اکوتوریست ها رخ دهد (6). از نظر تأثیر مثبت زیست محیطی، ویور اشاره کرده است که اکوتوریسم نقش مهمی در ایجاد بیشترین منافع زیست محیطی دارد (6). اکوتوریسم انگیزه مالی مستقیمی برای حفظ زیستگاه های طبیعی نسبتاً پراکنده فراهم می کند. برخی از تأثیرات زیست محیطی ممکن است به دلیل حساسیت زیست محیطی منطقه اجتناب ناپذیر باشند. این تأثیرات با برنامه ریزی دقیق، از جمله تعیین ظرفیت تحمل و پهنه بندی، انواع ساخت و ساز مجاز و فعالیت ها به حداقل می رسند (6). مؤلفه های مهم در بررسی اکوتوریسم مبتنی بر جامعه عبارتند از:

۱. مشارکت محلی: مشارکت محلی به معنای درگیر شدن فعالانه اعضای جامعه در تصمیم گیری، برنامه ریزی و مدیریت فعالیت های اکوتوریسم است. پوار و چاکرابورتی تأکید می کنند که مشارکت مردم بومی نه تنها باعث افزایش حس تعلق و مسئولیت پذیری در حفاظت از منابع طبیعی می شود، بلکه موجب توزیع عادلانه تر منافع اقتصادی و اجتماعی نیز می گردد (17). در مدل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه، مشارکت محلی محور اصلی پایداری محسوب می شود، زیرا بدون حضور و رضایت جامعه، هیچ فعالیت گردشگری نمی تواند در بلندمدت پایدار بماند. مشارکت مؤثر زمانی تحقق می یابد که جوامع محلی از طریق آموزش، اعتماد سازی و حضور در فرایند تصمیم سازی، نقش فعال در مدیریت منابع و هدایت جریان گردشگری ایفا کنند.

۲. توانمندسازی و ظرفیت سازی: توانمندسازی به فرایندی اشاره دارد که طی آن جوامع محلی مهارت ها، دانش و اعتماد به نفس لازم برای مشارکت مؤثر در فعالیت های اکوتوریسم را به دست می آورند. پوار و چاکرابورتی نشان می دهند که ظرفیت سازی از طریق آموزش، توسعه مهارت های فنی و مدیریتی و ارتقای

آگاهی زیست محیطی موجب می شود جامعه بتواند در مدیریت و مالکیت پروژه های گردشگری نقش مؤثری داشته باشد (17). توانمندسازی نه تنها جنبه فنی دارد، بلکه شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و نهادی نیز هست؛ به ویژه در ایجاد اعتماد بین جامعه و نهادهای دولتی یا سرمایه گذاران. افزایش ظرفیت انسانی و نهادی، پیش شرط اصلی برای دستیابی به توسعه پایدار اکوتوریسم به شمار می رود.

۳. حفاظت محیط زیست: حفاظت محیط زیست یکی از اصول بنیادی اکوتوریسم است و به معنای استفاده خردمندانه و پایدار از منابع طبیعی است تا اثرات منفی گردشگری بر اکوسیستم به حداقل برسد. در مطالعه پاور و چاکرابورتی، حفاظت محیطی به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از ساختار اکوتوریسم مبتنی بر جامعه مطرح شده است، زیرا جوامع محلی به طور مستقیم از محیط طبیعی منتفع می شوند و در نتیجه بیشترین انگیزه را برای حفاظت از آن دارند (17). این حفاظت از طریق آموزش محیط زیستی، ایجاد طرح های محلی کنترل آلودگی و توسعه فعالیت های گردشگری کم اثر (مانند گردشگری طبیعت گردی و فرهنگی) تحقق می یابد.

۴. منافع اقتصادی عادلانه: توزیع منصفانه منافع اقتصادی به معنای تضمین این است که درآمد حاصل از اکوتوریسم بین تمامی اعضای جامعه محلی به صورت عادلانه تقسیم شود و صرفاً به گروه های خاص یا سرمایه گذاران بیرونی محدود نماند. پاور و چاکرابورتی بیان می کنند که اشتغال محلی، حمایت از کسب و کارهای کوچک و سرمایه گذاری در زیرساخت های جامعه از پیامدهای مثبت این نوع از گردشگری است (17). منافع اقتصادی عادلانه علاوه بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان، موجب افزایش اعتماد و انگیزه آن ها برای مشارکت در حفاظت محیطی و فرهنگی می شود. در واقع، عدالت اقتصادی یکی از پایه های ماندگاری و پذیرش اجتماعی اکوتوریسم در جوامع محلی است. اکوتوریسم مبتنی بر جامعه، به عنوان وسیله ای برای توسعه جامعه محلی و دارای توانایی برای تقویت اقتصادهای محلی شناخته شده است. به طور کلی، توسط جامعه محلی در مقاصد روستایی مدیریت می شود که در آن تصمیمات مدیریتی توسط خود جامعه گرفته می شود و سود مستقیماً به خود جامعه می رسد (18). اکوتوریسم به عنوان یکی از رویکردهای نوین گردشگری، در دهه های اخیر به دلیل نقش دوگانه خود در حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع محلی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. این نوع گردشگری با تأکید بر استفاده پایدار از منابع طبیعی و جاذبه های فرهنگی، می تواند به حفظ تنوع زیستی، افزایش کیفیت زندگی ساکنان محلی و ایجاد فرصت های پایدار اشتغال کمک کند. در عین حال، بسیاری از پژوهش ها نشان داده اند که فقدان مدیریت علمی و نبود زیرساخت های مناسب، مانع تحقق این ظرفیت ها شده است و در مواردی، خود گردشگری به عاملی برای تخریب محیط زیست تبدیل گردیده است (9).

انتقادات نسبت به اکوتوریسم

اکوتوریسم مبتنی بر جامعه به عنوان یک رویکرد توسعه گردشگری، از سوی بسیاری از پژوهشگران به عنوان راهکاری مؤثر برای ترویج پایداری محیط زیست و توانمندسازی اقتصادی جوامع محلی مورد حمایت قرار گرفته است. پژوهش ها نشان می دهند که این نوع گردشگری می تواند موجب افزایش درآمد ساکنان محلی، ایجاد فرصت های شغلی و ارتقای کیفیت زندگی آنان شود (12، 16). علاوه بر این، مشارکت فعال جوامع محلی در تصمیم گیری های گردشگری، زمینه ای برای حفظ فرهنگ و هویت محلی فراهم می آورد و از تخریب محیط زیست جلوگیری می کند (15). در برخی مطالعات نیز بر نقش اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در ارتقای تاب آوری جوامع محلی در برابر بحران های اقتصادی و بلایای طبیعی تأکید شده است (17، 19). به این ترتیب، دیدگاه موافق بر این باور است که اکوتوریسم مبتنی بر جامعه نه تنها ابزاری برای توسعه اقتصادی بلکه وسیله ای برای حفظ هویت فرهنگی و محیط زیست است.

با وجود این، برخی پژوهشگران نسبت به پیامدهای منفی و محدودیت‌های این نوع گردشگری هشدار داده‌اند. یکی از نقدهای اصلی مربوط به وابستگی بیش از حد اقتصاد محلی به گردشگری است؛ در شرایط بروز بحران‌های اقتصادی، بلایای طبیعی یا بیماری‌های همه‌گیر، جریان درآمد محلی می‌تواند به شدت کاهش یابد و موجب ناپایداری اجتماعی شود (4). همچنین برخی محققان معتقدند که توسعه اکوتوریسم بدون برنامه‌ریزی دقیق، می‌تواند به تحریف فرهنگ محلی و فرسایش هویت فرهنگی منجر شود، زیرا برخی آیین‌ها و سنت‌ها صرفاً برای جذب گردشگر بازسازی می‌شوند (3). علاوه بر این، فشار جمعیتی در مقاصد گردشگری و افزایش هزینه‌های زندگی می‌تواند تنش میان ساکنان و گردشگران ایجاد کند و نابرابری اجتماعی را تشدید نماید (4). اختلاف نظرهای همچنین در نحوه مدیریت مشارکت جوامع محلی دیده می‌شود؛ برخی پژوهش‌ها تأکید دارند که مشارکت نمادین و محدود، اثربخشی اکوتوریسم مبتنی بر جامعه را کاهش می‌دهد و به جای توانمندسازی واقعی، صرفاً نقش تبلیغاتی دارد (10). بنابراین، هرچند مزایای اقتصادی، زیست‌محیطی و فرهنگی اکوتوریسم مبتنی بر جامعه مورد توافق نسبی است، اما چالش‌ها و محدودیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نیز نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌گذاری هوشمند است. در جمع‌بندی، دیدگاه‌های موافق بر پتانسیل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در ارتقای رفاه محلی، حفظ محیط‌زیست و تقویت هویت فرهنگی تأکید دارند؛ در حالی که دیدگاه‌های مخالف، بر پیامدهای منفی بالقوه ناشی از وابستگی اقتصادی، فرسایش فرهنگی و نابرابری اجتماعی متمرکز هستند. این اختلاف دیدگاه‌ها نشان‌دهنده وجود خلأهای پژوهشی در نحوه مدیریت مشارکت جوامع محلی، ارزیابی دقیق اثرات اجتماعی و طراحی سیاست‌های توسعه پایدار است.

در این میان برای طراحی مدل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در استان چهارمحال و بختیاری، با هشت نفر از فعالان حوزه گردشگری و دو نفر از مدیران و کارشناسان حوزه جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت، داده‌های به دست آمده پس از اجرا توسط پژوهشگران پیاده‌سازی گردید و کدهای پایه استخراج شدند و در قالب مضامین پایه دسته‌بندی گردید. در فرایند تحلیل، ۲۹ مضمون پایه شناسایی شد که در ۱۶ مضمون پایه با توجه به بیشترین ارتباط مفهومی قرار گرفتند. در نهایت، ۴ مضمون فراگیر شناسایی گردید. بر این اساس، ۴ مضمون اصلی شامل مشارکت محلی، توانمندسازی، منافع اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست شناسایی گردیدند. بقیه مضامین در جدول ۱ ارائه شده است.

مزیت اصلی گردشگری مبتنی بر جامعه آن است که درآمدهای گردشگری در داخل جامعه محلی باقی می‌ماند. برخلاف گردشگری سنتی که سود عمده به شرکت‌های خارجی می‌رسد، در این مدل درآمد حاصل از تورها و خدمات گردشگری در پروژه‌های توسعه‌ای محلی سرمایه‌گذاری می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد در چنین طرح‌هایی دستمزد عادلانه، فرصت‌های کارآفرینی محلی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی ارتقا می‌یابد. به این ترتیب گردشگری به جای آن‌که عاملی برای فرار سرمایه باشد، ابزاری برای کاهش فقر و بهبود معیشت اقشار محلی می‌شود. در عمل، گردشگرانی که در برنامه‌های اکوتوریستی مبتنی بر جامعه شرکت می‌کنند، مستقیماً در فعالیتهای حفاظت محیط‌زیست و پروژه‌های اجتماعی مشارکت می‌کنند؛ مثلاً با آموزگاران محلی درباره حفاظت طبیعت هم‌صحبت می‌شوند یا در اجرای برنامه‌های بازیافت زباله و کاشت درخت همکاری می‌نمایند.

از نظر زیست‌محیطی نیز اکوتوریسم مبتنی بر جامعه گامی مؤثر است. این رویکرد با اولویت دادن به پایداری منابع طبیعی و کاستن از ردپای اکولوژیک، فشار ناشی از حضور گردشگران را کاهش می‌دهد. به عنوان مثال، گردشگران تشویق می‌شوند که در نحوه حمل‌ونقل، مصرف انرژی و مدیریت پسماند دقت کنند و بخش عمده‌ای از درآمدها صرف محافظت از زیستگاه‌ها و غنی‌سازی تنوع زیستی گردد. اصولاً اکوتوریسم «تأثیرات منفی گردشگری را بر منابع مقصد کاهش

می‌دهد» و نگرش مثبت و مسئولانه‌ای را در گردشگران و میزبانان نسبت به حفاظت محیط‌زیست ترویج می‌کند. علاوه بر این، جوامع محلی که خود مجری و بهره‌بردار اکوتوریسم هستند، انگیزه و تعهد زیادی برای حفظ محیط پیرامونشان پیدا می‌کنند؛ چرا که منافع اقتصادی آنان با سلامت محیط‌زیست گره خورده است. از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز گردشگری مبتنی بر جامعه موجب احترام و حفظ فرهنگ محلی می‌شود. این مدل با ارزش‌گذاری بر سنت‌ها و آداب بومی، سعی می‌کند گردشگری را به عاملی برای تقویت هویت فرهنگی تبدیل کند تا عاملی برای تخریب آن. برای نمونه، اجرای نمایشگاه‌های هنرهای سنتی، برگزاری جشنواره‌های محلی و ارائه کارگاه‌های صنایع‌دستی توسط خود اهالی، ضمن جذب توریست، موجب حفظ تنوع فرهنگی و انتقال دانش بومی به نسل آینده می‌شود. همچنین مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و اداره تورها همگرایی اجتماعی را تقویت می‌کند؛ چرا که خودیابی و احساس مالکیت نسبت به سرزمین و میراث فرهنگی‌شان را افزایش می‌دهد و از بروز تنش‌های محلی می‌کاهد.

ایجاد یک مدل اکوسیستم مبتنی بر جامعه برای شهرکرد می‌تواند اهمیت قابل توجهی در توسعه پایدار گردشگری و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان محلی داشته باشد. در این رویکرد، جامعه محلی به عنوان بازیگر اصلی در برنامه‌ریزی، مدیریت و بهره‌برداری از منابع طبیعی و گردشگری نقش ایفا می‌کند و فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را به‌طور همزمان ارتقا می‌دهد (12). توسعه چنین مدلی، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا منابع طبیعی و فرهنگی شهرکرد به‌صورت پایدار مدیریت شوند و از تخریب زیست‌محیطی و فرسایش فرهنگی جلوگیری گردد. یکی از مهم‌ترین فواید این مدل، توانمندسازی اقتصادی جوامع محلی است. با مشارکت فعال ساکنان در فرایندهای اکوتوریسم، فرصت‌های شغلی متنوع ایجاد شده و درآمد محلی افزایش می‌یابد. این امر به‌ویژه در مناطق شهری کوچک مانند شهرکرد که ظرفیت‌های گردشگری بالقوه‌ای دارد، می‌تواند به کاهش مهاجرت و افزایش پایداری اجتماعی کمک کند (15). همچنین، مدل اکوسیستم مبتنی بر جامعه امکان تقویت سرمایه اجتماعی و ارتقای هماهنگی میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جوامع محلی را فراهم می‌آورد، که خود باعث بهبود مدیریت منابع و ارتقای تجربه گردشگران می‌شود. از منظر محیط‌زیستی، یافتن یک مدل مشخص اکوسیستم مبتنی بر جامعه، موجب می‌شود که حفاظت از زیستگاه‌ها و گونه‌های بومی در اولویت برنامه‌ریزی‌ها قرار گیرد و اثرات منفی فعالیت‌های گردشگری کاهش یابد. علاوه بر این، این مدل می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و تهدیدات اکولوژیکی کمک کرده و راهکارهای عملی برای مدیریت پایدار منابع ارائه نماید (16).

از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز، این مدل امکان حفظ و ارتقای هویت فرهنگی محلی را فراهم می‌آورد. مشارکت جامعه در طراحی فعالیت‌های گردشگری، موجب احترام به سنت‌ها و ارزش‌های بومی می‌شود و از تحریف یا تجاری‌سازی بیش از حد فرهنگ جلوگیری می‌کند. همچنین، چنین مدلی می‌تواند به عنوان الگوی تصمیم‌گیری مشارکتی در سایر مناطق کشور به کار گرفته شود و نمونه‌ای موفق از ترکیب توسعه اقتصادی، حفاظت محیطی و ارتقای هویت فرهنگی باشد (17). در جمع‌بندی، یافتن و پیاده‌سازی یک مدل اکوسیستم مبتنی بر جامعه برای شهرکرد می‌تواند مزایای اقتصادی، محیط‌زیستی و اجتماعی همزمان فراهم آورد، ظرفیت‌های بالقوه گردشگری را بهینه کند و جوامع محلی را برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی، محیطی و فرهنگی توانمند سازد. این مدل، نقشی کلیدی در تحقق توسعه پایدار و ارتقای رفاه ساکنان محلی ایفا می‌کند و می‌تواند به الگویی علمی و عملی برای سایر مناطق مشابه کشور تبدیل شود.

تأثیرات زیست‌محیطی یکی از چالش‌های اصلی که اکوتوریسم با آن مواجه است، چگونگی توسعه بدون تخریب محیط‌زیست است. اگرچه اکوتوریسم نمونه‌های زیادی دارد که در آن‌ها تأثیر مثبتی بر محیط‌زیست داشته است، اما ممکن است پیامدهای منفی زیست‌محیطی مانند مصرف بیش از حد منابع طبیعی، اختلال در حیات وحش و ازدحام انسان در مناطق طبیعی از طریق افزایش اکوتوریست‌ها رخ دهد (6). از نظر تأثیر مثبت زیست‌محیطی، ویور اشاره کرده است

که اکوتوریسم نقش مهمی در ایجاد بیشترین منافع زیست‌محیطی دارد (6). اکوتوریسم انگیزه مالی مستقیمی برای حفظ زیستگاه‌های طبیعی نسبتاً پراکنده فراهم می‌کند. برخی از تأثیرات زیست‌محیطی ممکن است به دلیل حساسیت زیست‌محیطی منطقه اجتناب‌ناپذیر باشند. این تأثیرات با برنامه‌ریزی دقیق، از جمله تعیین ظرفیت تحمل و پهنه‌بندی، انواع ساخت‌وساز مجاز و فعالیت‌ها به حداقل می‌رسند (6). مؤلفه‌های مهم در بررسی اکوتوریسم مبتنی بر جامعه عبارتند از:

۱. مشارکت محلی: مشارکت محلی به معنای درگیر شدن فعالانه اعضای جامعه در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت فعالیت‌های اکوتوریسم است. پاور و چاکرابورتی تأکید می‌کنند که مشارکت مردم بومی نه تنها باعث افزایش حس تعلق و مسئولیت‌پذیری در حفاظت از منابع طبیعی می‌شود، بلکه موجب توزیع عادلانه‌تر منافع اقتصادی و اجتماعی نیز می‌گردد (17). در مدل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه، مشارکت محلی محور اصلی پایداری محسوب می‌شود، زیرا بدون حضور و رضایت جامعه، هیچ فعالیت گردشگری نمی‌تواند در بلندمدت پایدار بماند. مشارکت مؤثر زمانی تحقق می‌یابد که جوامع محلی از طریق آموزش، اعتمادسازی و حضور در فرایند تصمیم‌سازی، نقش فعال در مدیریت منابع و هدایت جریان گردشگری ایفا کنند.

۲. توانمندسازی و ظرفیت‌سازی: توانمندسازی به فرایندی اشاره دارد که طی آن جوامع محلی مهارت‌ها، دانش و اعتماد به نفس لازم برای مشارکت مؤثر در فعالیت‌های اکوتوریسم را به دست می‌آورند. پاور و چاکرابورتی نشان می‌دهند که ظرفیت‌سازی از طریق آموزش، توسعه مهارت‌های فنی و مدیریتی و ارتقای آگاهی زیست‌محیطی موجب می‌شود جامعه بتواند در مدیریت و مالکیت پروژه‌های گردشگری نقش مؤثری داشته باشد (17). توانمندسازی نه تنها جنبه فنی دارد، بلکه شامل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و نهادی نیز هست؛ به‌ویژه در ایجاد اعتماد بین جامعه و نهادهای دولتی یا سرمایه‌گذاران. افزایش ظرفیت انسانی و نهادی، پیش‌شرط اصلی برای دستیابی به توسعه پایدار اکوتوریسم به شمار می‌رود.

۳. حفاظت محیط‌زیست: حفاظت محیط‌زیست یکی از اصول بنیادی اکوتوریسم است و به معنای استفاده خردمندانه و پایدار از منابع طبیعی است تا اثرات منفی گردشگری بر اکوسیستم به حداقل برسد. در مطالعه پاور و چاکرابورتی، حفاظت محیطی به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از ساختار اکوتوریسم مبتنی بر جامعه مطرح شده است، زیرا جوامع محلی به‌طور مستقیم از محیط طبیعی منتفع می‌شوند و در نتیجه بیشترین انگیزه را برای حفاظت از آن دارند (17). این حفاظت از طریق آموزش محیط‌زیستی، ایجاد طرح‌های محلی کنترل آلودگی و توسعه فعالیت‌های گردشگری کم‌اثر (مانند گردشگری طبیعت‌گردی و فرهنگی) تحقق می‌یابد.

۴. منافع اقتصادی عادلانه: توزیع منصفانه منافع اقتصادی به معنای تضمین این است که درآمد حاصل از اکوتوریسم بین تمامی اعضای جامعه محلی به صورت عادلانه تقسیم شود و صرفاً به گروه‌های خاص یا سرمایه‌گذاران بیرونی محدود نماند. پاور و چاکرابورتی بیان می‌کنند که اشتغال محلی، حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های جامعه از پیامدهای مثبت این نوع از گردشگری است (17). منافع اقتصادی عادلانه علاوه بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان، موجب افزایش اعتماد و انگیزه آن‌ها برای مشارکت در حفاظت محیطی و فرهنگی می‌شود. در واقع، عدالت اقتصادی یکی از پایه‌های ماندگاری و پذیرش اجتماعی اکوتوریسم در جوامع محلی است. اکوتوریسم مبتنی بر جامعه، به عنوان وسیله‌ای برای توسعه جامعه محلی و دارای توانایی برای تقویت اقتصادهای محلی شناخته شده است. به‌طور کلی، توسط جامعه محلی در مقاصد روستایی مدیریت می‌شود که در آن تصمیمات مدیریتی توسط خود جامعه گرفته می‌شود و سود مستقیماً به خود جامعه می‌رسد (18). اکوتوریسم به عنوان یکی از رویکردهای نوین گردشگری، در دهه‌های اخیر به دلیل نقش دوگانه خود در حفاظت از محیط‌زیست و توسعه اقتصادی - اجتماعی جوامع محلی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. این نوع گردشگری با تأکید بر استفاده پایدار از منابع طبیعی و جاذبه‌های فرهنگی، می‌تواند به حفظ تنوع زیستی، افزایش کیفیت زندگی ساکنان محلی و ایجاد فرصت‌های پایدار اشتغال کمک کند. در عین حال، بسیاری از

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فقدان مدیریت علمی و نبود زیرساخت‌های مناسب، مانع تحقق این ظرفیت‌ها شده است و در مواردی، خود گردشگری به عاملی برای تخریب محیط‌زیست تبدیل گردیده است (9).

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش برای دستیابی به درک جامع از اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در شهرکرد و طراحی مدل اکوسیستم، از روش کیفی استفاده خواهد شد. بخش کیفی پژوهش شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با افراد محلی و متخصصان محلی خواهد بود. این افراد شامل ساکنان فعال در بخش گردشگری، اعضای شوراهای محلی، راهنمایان بومی و کارشناسان محیط‌زیست هستند. هدف از این مصاحبه‌ها، شناسایی تجربیات عملی، مشکلات موجود و نیازها و انتظارات جامعه محلی در حوزه اکوتوریسم مبتنی بر جامعه است. برای تحلیل داده‌های کیفی، از روش تحلیل مضمون استفاده خواهد شد. برای دستیابی به مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده گردید و برای تأیید روایی پرسش‌های مصاحبه از دیدگاه دو نفر از استادان دانشگاه بهره گرفته شد. پرسشنامه شامل ۷ پرسش اصلی می‌باشد. روش تحلیل مضمون به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا الگوها، مضامین و مفاهیم کلیدی را در مصاحبه‌ها و یادداشت‌های میدانی شناسایی کنند و بر اساس آن‌ها مدل اکوسیستم مبتنی بر جامعه را استخراج نمایند. در جمع‌بندی، روش کیفی به پژوهشگران اجازه می‌دهد که دیدگاه‌ها و تجربیات واقعی جامعه محلی را در طراحی مدل اکوسیستم لحاظ نمایند و نتیجه‌ای کاربردی، جامع و قابل استناد برای برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری در شهرکرد ارائه کند.

یافته‌های پژوهش

تحلیل مضمون یکی از روش‌های پرکاربرد و انعطاف‌پذیر در پژوهش‌های کیفی است که با هدف شناسایی، تحلیل و گزارش الگوهای معنادار موجود در داده‌ها به کار می‌رود (20، 21). با وجود انعطاف‌پذیری، تحلیل مضمون نباید صرفاً به استخراج چند کلمه یا دسته‌بندی سطحی داده‌ها محدود شود؛ بلکه فرایندی تفسیری و نظام‌مند است که در آن پژوهشگر به‌طور مداوم میان داده‌ها، کدها و مضامین رفت‌و برگشت می‌کند (22). بر اساس چارچوب کلاسیک کلارک و براون (20)، تحلیل مضمون در شش مرحله انجام می‌شود. مرحله نخست، آشنایی با داده‌ها است. در این مرحله پژوهشگر داده‌های گردآوری‌شده، برای مثال متن کامل مصاحبه‌ها، را چندین بار مطالعه می‌کند تا با محتوای داده‌ها، ایده‌های اولیه، الگوهای احتمالی و نکات برجسته آشنا شود. یادداشت‌برداری و ثبت برداشت‌های اولیه نیز در این مرحله اهمیت دارد. در واقع، آشنایی عمیق با داده‌ها پیش‌شرط ورود مناسب به مراحل بعدی است (20، 23). مرحله دوم، تولید کدهای اولیه است. کدگذاری به معنای اختصاص دادن برچسب‌هایی مفهومی به بخش‌هایی از داده است که برای پرسش پژوهش اهمیت دارند. پژوهشگر باید داده‌ها را به‌صورت نظام‌مند بررسی کرده و بخش‌های معنادار را کدگذاری کند. کدها می‌توانند توصیفی یا تفسیری باشند و در طول فرایند تحلیل اصلاح و تکمیل شوند. در این مرحله، هدف هنوز ساختن مضمون نهایی نیست، بلکه ایجاد مجموعه‌ای از کدهای مرتبط با داده‌هاست (20، 21). مرحله سوم، جست‌وجوی مضامین است. پس از تولید کدهای اولیه، پژوهشگر روابط میان کدها را بررسی کرده و آن‌ها را در قالب الگوها و مضامین بالقوه سازمان‌دهی می‌کند. مضمون برخلاف یک کد ساده، بیانگر الگوی معناداری است که بخشی مهم از داده‌ها را در ارتباط با سؤال پژوهش توضیح می‌دهد. بنابراین، مضمون نباید صرفاً یک موضوع کلی یا عنوان توصیفی باشد؛ بلکه باید دارای انسجام مفهومی و ارتباط روشن با هدف پژوهش باشد (21، 24). مرحله چهارم، بازبینی مضامین است. در این مرحله پژوهشگر بررسی می‌کند که آیا داده‌های مرتبط با هر مضمون واقعاً یک الگوی منسجم را تشکیل می‌دهند و آیا مضامین ایجادشده در مجموع تصویر مناسبی از

کل داده‌ها ارائه می‌کنند یا خیر. ممکن است برخی مضامین ادغام، تفکیک یا حذف شوند. این مرحله ماهیتی بازگشتی دارد و پژوهشگر ممکن است برای بررسی تناسب مضامین، دوباره به کدها و حتی داده‌های خام مراجعه کند (22). مرحله پنجم، تعریف و نام‌گذاری مضامین است. پس از تأیید ساختار کلی مضامین، پژوهشگر ماهیت و دامنه هر مضمون را به دقت مشخص می‌کند و برای آن نامی کوتاه، روشن و معنادار انتخاب می‌کند. در رویکرد انعکاسی، این مرحله صرفاً یک فعالیت فنی نیست؛ بلکه شامل تفسیر پژوهشگر و توجه به نقش دیدگاه‌ها و پیش‌فرض‌های او در شکل‌گیری مضامین است (24). مرحله ششم، نگارش گزارش است. در این مرحله یافته‌ها به شکلی منسجم و استدلالی ارائه می‌شوند. پژوهشگر باید توضیح دهد که مضامین چگونه از داده‌ها استخراج شده‌اند و برای پشتیبانی از هر مضمون، شواهد مناسب از داده‌ها ارائه کند. همچنین، فرایند تحلیل باید به اندازه‌ای شفاف گزارش شود که خواننده بتواند درباره اعتبار و اعتمادپذیری آن قضاوت کند (22). در مجموع، اگرچه شش مرحله تحلیل مضمون به صورت خطی ارائه می‌شوند، فرایند واقعی تحلیل معمولاً بازگشتی و انعکاسی است و پژوهشگر بارها میان مراحل مختلف حرکت می‌کند (22، 23). نیز همین فرایند را در قالب سه فعالیت اصلی «خواندن، کدگذاری و مضمون‌سازی» ساده‌سازی کرده‌اند.

در این میان برای طراحی مدل اکوتوریسم مبتنی بر جامعه در استان چهارمحال و بختیاری، با هشت نفر از فعالان حوزه گردشگری و دو نفر از مدیران و کارشناسان حوزه جهاد کشاورزی و میراث فرهنگی مصاحبه به عمل آمد. مصاحبه به صورت نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت، داده‌های به دست آمده پس از اجرا توسط پژوهشگران پیاده‌سازی گردید و کدهای پایه استخراج شدند و در قالب مضامین پایه دسته‌بندی گردید. در فرایند تحلیل، ۲۹ مضمون پایه شناسایی شد که در ۱۶ مضمون پایه با توجه به بیشترین ارتباط مفهومی قرار گرفتند. در نهایت، ۴ مضمون فراگیر شناسایی گردید. بر این اساس، ۴ مضمون اصلی شامل مشارکت محلی، توانمندسازی، منافع اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست شناسایی گردیدند. بقیه مضامین در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج تحلیل مضمون

مضمون فراگیر	مضمون اولیه	مضمون پایه	کدهای پایه
مشارکت محلی	مشارکت اقتصادی و کارآفرینی جامعه محلی / مشارکت معرفی و حفاظت فرهنگی / مشارکت در زنجیره ارزش و توزیع منافع گردشگری / مشارکت در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری گردشگری / مشارکت در ظرفیت‌سازی و توانمندسازی	مشارکت اقتصادی و اشتغال جامعه محلی / مشارکت مردم محلی در ارائه خدمات گردشگری / فرهنگی و معرفی میراث بومی / مالکیت و ذی‌نفع بودن جامعه محلی در گردشگری / مشارکت جامعه محلی و مدیریت گردشگری / توانمندسازی و ظرفیت‌سازی جامعه محلی / مشارکت جامعه محلی در حفاظت از فرهنگ و منابع محلی / ارائه خدمات گردشگری توسط مردم بومی منطقه / مشارکت جامعه محلی در مدیریت مقصد / مشارکت در حفاظت از منابع محلی / تعامل حداکثری گردشگران با جامعه محلی / گذار از مشارکت اجرایی به مشارکت حکمرانی	فعالیت در اقامتگاه‌های بوم‌گردی، خانه‌های مسافر، رستوران‌ها، فروش محصولات و صنایع‌دستی، تبدیل بوم‌گردی به منبع درآمد خانواده‌ها و ایجاد بازار برای محصولات محلی، اقامت، پذیرایی، حمل‌ونقل، فروش محصولات و خدمات به گردشگران، معرفی فرهنگ عشایری، آداب و رسوم، غذا، موسیقی، پوشش و سبک زندگی، تأکید بر اینکه مردم باید «صاحبان و ذی‌نفعان اصلی» گردشگری باشند، «مردم محلی را صرفاً نیروی کار یا ارائه‌دهنده خدمات نبینیم»، تأکید صریح مصاحبه‌شونده بر «متعلق دانستن گردشگری به مردم، ضعف سرمایه، بازاریابی، آموزش، استانداردسازی و زیرساخت»
توانمندسازی	آموزش و ارتقای مهارت‌های گردشگری / تقویت مهارت‌های تجاری و بازاریابی / توسعه کسب‌وکارهای محلی	آموزش مهارت‌های گردشگری / تقویت مهارت‌های تجاری و بازاریابی / توسعه کسب‌وکارهای محلی	آموزش میزبانی، ارتباط با گردشگر، آموزش بازاریابی، آموزش مدیریت کسب‌وکار، آموزش فروش، آموزش

کارآفرینی و بازاریابی/ توسعه و تنوع‌بخشی به کسب‌وکارهای محلی/ ایجاد پیوند و زنجیره ارزش محلی گردشگری/ تسهیل دسترسی به بازار، سرمایه و مجوزها

ایجاد زنجیره ارزش محلی/ دسترسی به بازار گردشگری/ تسهیل دسترسی به منابع مالی/ تسهیل فرایندهای قانونی و مجوزها/ بهره‌گیری اقتصادی از ظرفیت‌های فرهنگی بومی/ مالکیت محلی گردشگری/

زبان گردشگری، بسته‌بندی محصولات، بازاریابی، فروش محصولات محلی، استفاده از فضای مجازی، ایجاد بوم‌گردی، کسب‌وکارهای کوچک، تولید غذای محلی، صنایع دستی، خدمات راهنمایی، فعالیت کشاورزان، پیوند اقامتگاه با تولیدکننده غذا، صنایع دستی، کشاورز و راهنمای محلی، اتصال تولیدکنندگان محلی به گردشگران، ارتباط با اقامتگاه‌ها، دفاتر خدمات گردشگری و رویدادها، دسترسی به تسهیلات، سرمایه برای راه‌اندازی کسب‌وکار، ساده‌سازی دریافت مجوز، تسهیل استانداردسازی کسب‌وکار، تبدیل غذا، صنایع دستی، موسیقی، سبک زندگی و محصولات عشایری به فرصت درآمدی، آموزش جامعه عشایری، تبدیل ظرفیت فرهنگی عشایر به کسب‌وکار، شوراهای محلی، کارگروه‌های گردشگری، مشارکت دهیاری و شورای روستا، حضور زنان، جوانان، عشایر، صاحبان بوم‌گردی و فعالان صنایع دستی، تبدیل مردم از نیروی کار به صاحب کسب‌وکار و مالک گردشگری

منافع اقتصادی

پیوند گردشگری با اقتصاد محلی

تقویت بازارهای محلی/ تقویت بازاریابی و برندسازی/ تقویت زنجیره ارزش/ ایجاد ارتباط قوی بین کسب‌وکارهای محلی

نشت منافع اقتصادی گردشگری، خروج درآمد از مقصد، محدودیت بهره‌مندی اقتصادی جامعه محلی، مشارکت اقتصادی محدود و پراکنده، توزیع نامتوازن منافع گردشگری، محدودیت دامنه مشارکت اقتصادی، شکاف بین حجم گردشگری و منفعت محلی، ضعف اشتغال‌زایی گردشگری، محدودیت فرصت‌های شغلی محلی، غلبه گردشگری عبوری، کوتاهی مدت اقامت، ضعف بهره‌برداری اقتصادی از صنایع دستی، ضعف بازاریابی محلی، ضعف تجاری‌سازی محصولات محلی، ضعف دسترسی به بازار گردشگری، گسست تولید از بازار، ضعف تبدیل تقاضای گردشگری به منفعت محلی، ایجاد اشتغال مستقیم محلی، پیوند کسب‌وکار گردشگری با اقتصاد محلی، تنوع‌بخشی به محصولات گردشگری محلی، فروش مستقیم محصولات محلی، بازاریابی و فروش دیجیتال محلی، اقامتگاه به‌عنوان سکوی عرضه محصولات محلی، افزایش ماندگاری گردشگر، بهره‌گیری اقتصادی از ظرفیت عشایری، توزیع عادلانه منافع گردشگری

مقصد

سازوکارهای ماندگاری منافع در فروش مستقیم/ شبکه‌سازی و ایجاد تعاونی/ افزایش

مدت اقامت/ توزیع منافع میان خانوارها

حفاظت از محیط‌زیست

مدیریت اثرات زیست‌محیطی گردشگری/ پشتیبانی قانونی

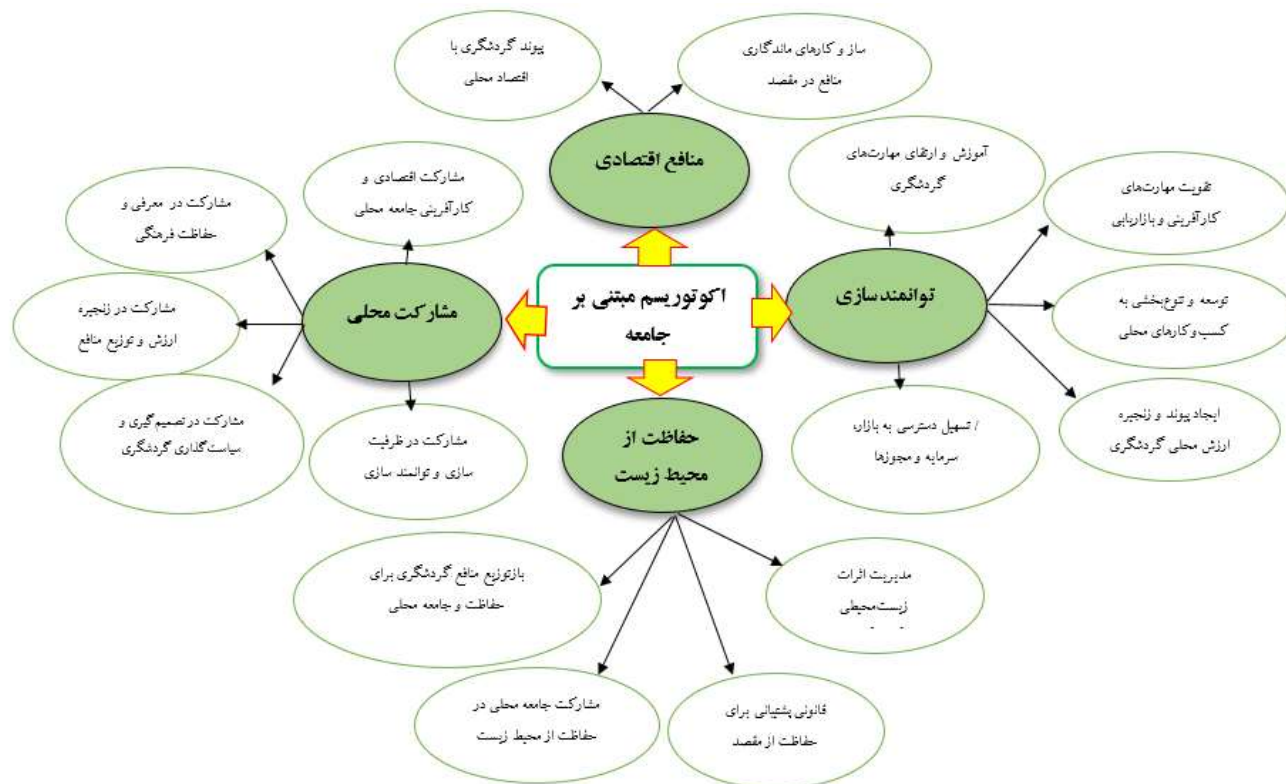
کنترل گردشگری انبوه و بی‌ضابطه/ ظرفیت‌سنجی و تعیین ظرفیت تحمل مقصد/ توزیع مکانی و زمانی

پرهیز از تمرکز بر افزایش گردشگر، کنترل گردشگری انبوه، جلوگیری از آسیب گردشگری بی‌ضابطه،

برای حفاظت از مقصد / گردشگران / تناسب توسعه زیرساخت با ظرفیت محیط / ظرفیت سنجی مقصد، ظرفیت پذیرش، ظرفیت مشارکت جامعه محلی در مدیریت پسماند و آلودگی گردشگری / آموزش و اکولوژیک، ظرفیت اجتماعی، ظرفیت زیرساختی، حفاظت از محیط زیست / نظارت بر رفتار گردشگران / مشارکت جامعه محلی در جلوگیری از تمرکز گردشگر، مقاصد جایگزین، توزیع بازتوزیع منافع گردشگری برای حفاظت / همکاری بین نهادی در حفاظت / پیوند زمانی، کاهش فشار بر نقاط حساس، کنترل توسعه حفاظت و جامعه محلی حفاظت با منافع اقتصادی جامعه محلی / بازگشت زیرساخت کم اثر، مدیریت پسماند، تولید زباله، تأمین زیرساخت زیست محیطی، آموزش گردشگر، رفتار مسئولانه، نظارت بر گردشگران، مشارکت محلی، حفاظت مشارکتی، نقش حفاظتی مردم، همکاری با محیط زیست، تصمیم گیری مشترک، ظرفیت سنجی علمی، نظام پایش، سنجش اثرات، گزارش دهی، منفعت اقتصادی جامعه، درآمد پایدار، مشوق اقتصادی حفاظت، تأمین مالی حفاظت، احیای طبیعت، مدیریت پسماند از محل درآمد گردشگری، جلوگیری از تمرکز درآمد، جبران هزینه جامعه میزبان، توزیع منافع

مدل استخراج شده در شکل یک نشان داده شده است. این مدل شامل چهار مضمون فراگیر اصلی، توانمندسازی، مشارکت محلی، حفاظت از محیط زیست و منافع اقتصادی می باشد.

مضمون توانمندسازی شامل ابعاد آموزش و ارتقای مهارت های گردشگری، تقویت مهارت های کارآفرینی و بازاریابی، توسعه و تنوع بخشی به کسب و کارهای محلی، ایجاد پیوند و زنجیره ارزش محلی گردشگری و تسهیل دسترسی به بازار، سرمایه و مجوزها می باشد. مضمون مشارکت محلی شامل مشارکت اقتصادی و کارآفرینی جامعه محلی، مشارکت در معرفی و حفاظت فرهنگی / مشارکت در زنجیره ارزش و توزیع منافع گردشگری، مشارکت در تصمیم گیری و سیاست گذاری گردشگری، مشارکت در ظرفیت سازی و توانمندسازی است و مضمون حفاظت از محیط زیست شامل مدیریت اثرات زیست محیطی گردشگری، پشتیبانی قانونی برای حفاظت از مقصد، مشارکت جامعه محلی در حفاظت از محیط زیست و بازتوزیع منافع گردشگری برای حفاظت و جامعه محلی می باشد و همچنین مضمون منافع اقتصادی شامل دو بعد پیوند گردشگری با اقتصاد محلی و سازوکارهای ماندگاری منافع در مقصد می باشد.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که پایداری گردشگری در جوامع محلی چهارمحال و بختیاری را نمی‌توان صرفاً بر مبنای رشد تقاضا، افزایش تعداد گردشگران یا توسعه زیرساخت‌های گردشگری ارزیابی کرد. الگوی مفهومی حاصل از داده‌ها، چهار مضمون به هم پیوسته شامل توانمندسازی جامعه محلی، مشارکت محلی، حفاظت از محیط‌زیست و منافع اقتصادی را آشکار می‌کند که در قالب یک نظام علی- نهادی، ظرفیت تعیین مسیر توسعه گردشگری مقصد را دارند. اهمیت این یافته در آن است که پایداری گردشگری در این چارچوب نه یک پیامد خودکار توسعه گردشگری، بلکه حاصل توزیع قدرت، ظرفیت، فرصت و منافع در میان بازیگران محلی و نهادی تلقی می‌شود. این برداشت با مطالعاتی همسو است که نشان داده‌اند توانمندسازی ذی‌نفعان محلی می‌تواند مشارکت آنان در توسعه پایدار گردشگری را تقویت کند و ادراک آنان از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی گردشگری در این رابطه نقش میانجی داشته باشد.

نخست، یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی باید به عنوان زیرساخت نهادی مشارکت و نه صرفاً یک برنامه آموزشی در نظر گرفته شود. در این مطالعه، توانمندسازی شامل آموزش و ارتقای مهارت‌های گردشگری، تقویت قابلیت‌های کارآفرینی و بازاریابی، توسعه و تنوع‌بخشی کسب و کارهای محلی، ایجاد زنجیره ارزش و تسهیل دسترسی به بازار، سرمایه و مجوزهاست. این تعریف، مفهوم توانمندسازی را از انتقال صرف دانش به سمت افزایش ظرفیت واقعی جامعه برای اثرگذاری بر جریان‌های اقتصادی گردشگری سوق می‌دهد. ادبیات نیز نشان می‌دهد که آموزش، دسترسی به منابع مالی و غیرمالی، توسعه مهارت و انتقال مالکیت یا کنترل خدمات گردشگری به بازیگران محلی، از عناصر کلیدی توانمندسازی محسوب می‌شوند.

از این منظر، یکی از مهم‌ترین چالش‌های سیاستی برای چهارم‌حال و بختیاری، تبدیل دانش و سرمایه فرهنگی موجود در جوامع محلی به قابلیت اقتصادی قابل تداوم است. جامعه محلی ممکن است از دانش عمیق درباره فرهنگ عشایری، صنایع دستی، غذا، آیین‌ها و محیط طبیعی برخوردار باشد، اما فقدان مهارت‌های بازاریابی، قیمت‌گذاری، مدیریت کسب‌وکار، فروش دیجیتال و دسترسی به بازار می‌تواند مانع تبدیل این سرمایه فرهنگی به درآمد شود. بنابراین، آموزش گردشگری زمانی می‌تواند توانمندساز تلقی شود که پیامد آن در شاخص‌هایی مانند افزایش درآمد، ایجاد کسب‌وکار، افزایش سهم مالکیت محلی و کاهش وابستگی به واسطه‌ها قابل مشاهده باشد. این نتیجه با ادبیات جدید توانمندسازی گردشگری نیز همخوان است که تأکید می‌کند مشارکت و توانمندسازی رابطه‌ای دوسویه و تقویت‌کننده دارند و هیچ‌کدام را نمی‌توان به صورت منفک از دیگری تحلیل کرد.

دوم، یافته‌ها بر اهمیت مشارکت معنادار جامعه محلی تأکید دارند. مشارکت در این مطالعه در چهار سطح اقتصادی، فرهنگی، حکمرانی و ظرفیت‌سازی قابل تبیین است. این تمایز اهمیت دارد، زیرا حضور مردم در فعالیت‌های گردشگری الزاماً به معنای مشارکت واقعی آنان در توسعه مقصد نیست. ادبیات نشان داده است که مشارکت صوری یا نمادین می‌تواند بدون انتقال قدرت واقعی به جامعه محلی اتفاق بیفتد و حتی در برخی مقاصد به توزیع نابرابر منافع منجر شود. بنابراین، مشارکت محلی در چهارم‌حال و بختیاری باید از سطح «مشارکت در اجرای برنامه‌ها» به سمت مشارکت در تصمیم‌گیری، مالکیت، مدیریت و توزیع منافع ارتقا یابد. به عبارت دیگر، مسئله اصلی فقط این نیست که آیا جامعه محلی در گردشگری حضور دارد؛ بلکه این است که چه کسی تصمیم می‌گیرد، چه کسی مالک است و چه کسی از ارزش ایجادشده منتفع می‌شود.

سوم، رابطه میان گردشگری و حفاظت محیط‌زیست در یافته‌های مطالعه، رابطه‌ای دوگانه و مشروط است. گردشگری می‌تواند برای حفاظت منابع طبیعی انگیزه اقتصادی ایجاد کند، اما در صورت فقدان مدیریت ظرفیت مقصد، می‌تواند به افزایش فشار بر منابع آب، تولید پسماند، تخریب پوشش گیاهی و کاهش کیفیت زیست‌بوم منجر شود. از این رو، توسعه گردشگری در مناطق حساس چهارم‌حال و بختیاری باید بر مبنای ظرفیت تحمل اکولوژیک، مدیریت بازدیدکنندگان و مشارکت جوامع محلی در حفاظت صورت گیرد. معیارهای جهانی مقصد پایدار نیز دقیقاً بر همین پیوند میان مشارکت ذی‌نفعان، منافع اقتصادی محلی، حفاظت میراث فرهنگی و طبیعی و مدیریت فشار و تغییر تأکید دارند.

در این چارچوب، یافته مهم دیگر مطالعه آن است که حفاظت محیط‌زیست زمانی احتمالاً پایدارتر خواهد بود که برای جامعه محلی منفعت ملموس ایجاد کند. به بیان دیگر، جامعه نباید میان «حفاظت» و «معیشت» مجبور به انتخاب باشد. مدل‌های گردشگری جامعه‌محور نیز نشان داده‌اند که توزیع عادلانه منافع، انسجام اجتماعی و تعهد جامعه به حفاظت می‌تواند همزمان به عنوان شاخص‌های پایداری عمل کنند.

چهارمین مضمون، یعنی منافع اقتصادی، در واقع نقطه اتصال سه مضمون دیگر است. یافته‌ها نشان می‌دهند که افزایش درآمد گردشگری به تنهایی کافی نیست؛ مسئله اصلی، میزان پیوند این درآمد با اقتصاد محلی و ظرفیت ماندگاری آن در مقصد است. اگر هزینه گردشگر عمدتاً صرف کالاها و خدماتی شود که خارج از جامعه محلی تأمین می‌شوند، افزایش ورود گردشگر الزاماً به بهبود رفاه ساکنان منجر نمی‌شود. در مقابل، تقویت پیوند میان اقامتگاه‌های بوم‌گردی، غذاهای محلی، صنایع دستی، راهنمایان، حمل‌ونقل و سایر خدمات، موجب افزایش گردش درآمد در اقتصاد محلی می‌شود. پژوهش‌های مربوط به تقسیم منافع نیز نشان می‌دهند که شیوه توزیع منافع اقتصادی، فرهنگی، محیط‌زیستی و توسعه‌ای می‌تواند بر رفاه و حمایت جامعه از گردشگری اثرگذار باشد.

بر اساس این یافته‌ها، می‌توان یک چرخه توسعه گردشگری جامعه‌محور برای استان پیشنهاد کرد: توانمندسازی، ظرفیت مشارکت را افزایش می‌دهد؛ مشارکت مؤثر، دسترسی جامعه به تصمیم‌گیری و منافع را تقویت می‌کند؛ افزایش منافع اقتصادی، انگیزه حفاظت از منابع فرهنگی و طبیعی را افزایش می‌دهد؛ و حفاظت از منابع، کیفیت و رقابت‌پذیری مقصد را در بلندمدت حفظ می‌کند. این رابطه را می‌توان به صورت یک نظام بازخوردی در نظر گرفت که در آن هر چهار مضمون به جای عملکرد مستقل، یکدیگر را تقویت می‌کنند.

با این حال، یافته‌ها یک هشدار مهم نیز دربردارند: مشارکت بدون قدرت و منافع، و توانمندسازی بدون دسترسی به بازار، الزاماً به توسعه پایدار منجر نمی‌شوند. مطالعات اخیر نیز نشان داده‌اند که در برخی مقاصد، همکاری میان ذی‌نفعان ممکن است به مشارکت نمادین محدود شود و قدرت تصمیم‌گیری واقعی همچنان در اختیار بازیگران مسلط باقی بماند. بنابراین، سیاست‌گذاری گردشگری در چهارمحال و بختیاری باید از رویکرد پروژه‌محور فاصله گرفته و به سمت حکمرانی مقصد، انتقال ظرفیت تصمیم‌گیری، مالکیت محلی و سازوکارهای شفاف تقسیم منافع حرکت کند.

از نظر نظری، مهم‌ترین دستاورد این مطالعه آن است که چهار مضمون شناسایی شده را نه به عنوان مجموعه‌ای از عوامل منفرد، بلکه به عنوان اجزای یک سیستم به هم پیوسته برای تحقق گردشگری پایدار و جامعه‌محور تبیین می‌کند. این چارچوب نشان می‌دهد که پایداری مقصد زمانی حاصل می‌شود که همزمان سه مسئله حل شود: جامعه محلی توانایی مشارکت داشته باشد، قدرت مشارکت پیدا کند و از مشارکت خود منفعت قابل مشاهده دریافت کند؛ در عین حال، منابع طبیعی و فرهنگی که مبنای تولید این منافع هستند، تحت سازوکارهای مؤثر حفاظت قرار گیرند. از منظر سیاستی، بنابراین پیشنهاد می‌شود ارزیابی عملکرد گردشگری استان از شاخص‌های سنتی مانند تعداد گردشگران و میزان اقامت فراتر رود و مجموعه‌ای از شاخص‌های سهم اقتصادی محلی، مالکیت محلی کسب‌وکارها، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری، افزایش درآمد ناشی از آموزش، سهم درآمد اختصاص یافته به حفاظت و وضعیت ظرفیت اکولوژیک مقصد را نیز دربرگیرد. چنین تغییر رویکردی با چارچوب‌های بین‌المللی مقصد پایدار نیز سازگار است که منافع اقتصادی محلی، مشارکت ذی‌نفعان، حفاظت فرهنگی و مدیریت منابع و پسماند را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

Tourism has developed into a major component of contemporary economic and regional development, yet its rapid expansion has simultaneously intensified concerns regarding environmental degradation, cultural transformation, unequal benefit distribution, and the economic vulnerability of host communities. Although tourism can generate employment, stimulate local entrepreneurship, and create opportunities for regional development, poorly regulated tourism may increase waste generation, pressure on natural resources, environmental pollution, congestion, and ecological disturbance (1, 2). These challenges are particularly important in ecologically sensitive destinations in which the quality of natural and cultural resources constitutes the principal basis of tourism competitiveness. Ecotourism has consequently emerged as an alternative approach that attempts to reconcile tourism development with environmental conservation, responsible resource use, cultural preservation, and the generation of benefits for host communities (5, 6, 14). Within this broader framework, community-based ecotourism places local people at the center of tourism planning, ownership, management, service provision, and benefit distribution rather than treating them merely as a labor force or passive recipients of externally designed development programs. The literature emphasizes that meaningful local participation, community empowerment, local ownership, cultural sensitivity, and the equitable distribution of tourism benefits are essential conditions for sustainable community-based tourism (3, 12, 13). This issue is particularly relevant to Chaharmahal and Bakhtiari Province, which possesses considerable natural, cultural, rural, and nomadic tourism resources but continues to face limitations associated with insufficient infrastructure, weak local participation, restricted access to markets and investment, and the incomplete conversion of tourism potential into sustainable local livelihoods (7-9). Existing tourism development approaches in Iran have also frequently reflected top-down planning processes in which local communities have limited influence over strategic decisions and benefit-sharing arrangements (10). Accordingly, developing a locally grounded model capable of integrating community participation, empowerment, conservation, and economic benefit retention is essential for transforming ecotourism from an externally driven activity into a sustainable mechanism for destination development.

The objective of this study was to design a community-based ecotourism model for the tourism sector of Chaharmahal and Bakhtiari Province by identifying the principal mechanisms through which local communities can participate in tourism development, improve their economic and institutional capacities, contribute to environmental conservation, and retain a greater proportion of tourism-generated benefits within the destination. The conceptual orientation of the study was based on the premise that community-based ecotourism cannot be reduced to the physical presence of local residents in tourism activities; instead, sustainable participation requires a transition from operational involvement toward meaningful influence over governance, ownership, resource allocation, and destination management. Previous studies have emphasized that community participation can contribute to sustainable tourism only when local actors possess sufficient capacities, institutional

opportunities, access to resources, and decision-making authority (10, 13). Likewise, empowerment in community-based tourism involves more than the provision of short-term training; it includes the development of entrepreneurial and managerial capabilities, access to financial and non-financial resources, market connectivity, institutional recognition, and the ability of local actors to establish and control tourism businesses (15, 17). The study therefore treated empowerment, participation, environmental conservation, and economic benefits as potentially interdependent rather than isolated components. This perspective is consistent with community-based ecotourism research suggesting that greater local control over tourism enterprises can support rural livelihoods, improve the distribution of benefits, reinforce cultural identity, and create stronger incentives for conservation (4, 18, 25). Furthermore, the sustainable tourism perspective indicates that tourism development should remain within environmental and social limits while creating lasting value for host destinations (6). Therefore, the study sought not only to identify the dimensions of community-based ecotourism but also to clarify their conceptual relationships within a locally applicable framework capable of informing tourism governance, community development, entrepreneurship, environmental management, and destination-level policy in Chaharmahal and Bakhtiari Province.

The study adopted a qualitative research design and employed thematic analysis to obtain an in-depth understanding of community-based ecotourism and to construct a model grounded in the experiences and perspectives of relevant local stakeholders. Participants included eight individuals actively involved in the tourism sector and two managers and experts working in areas related to agricultural development and cultural heritage. Participants were accessed through purposive and snowball sampling in order to obtain information from individuals with relevant practical and institutional knowledge of tourism development in the province. Data were collected through semi-structured interviews organized around seven principal questions addressing practical experiences, existing problems, community expectations, participation, economic opportunities, environmental concerns, and requirements for community-based ecotourism development. The content validity of the interview questions was reviewed and confirmed by two university professors. After completion of the interviews, the data were transcribed and systematically examined using thematic analysis. The analytical process followed the logic of familiarization with the data, generation of initial codes, searching for themes, reviewing thematic structures, defining and naming themes, and producing an integrated interpretation of the findings, consistent with established thematic analysis procedures (20, 21). Thematic analysis was selected because of its capacity to identify recurrent patterns while maintaining interpretive attention to relationships among participants' experiences, contextual conditions, and the research objective (22). Rather than treating coding as a simple process of classifying isolated words or statements, the researchers repeatedly moved between interview data, preliminary codes, and emerging themes in an iterative analytical process. Such recursive analysis is particularly important for ensuring conceptual coherence and distinguishing meaningful themes from superficial topical categories (23, 24). The analysis ultimately produced 29 basic themes, which were organized according to their conceptual relationships into 16 organizing themes and subsequently consolidated into four overarching themes. These overarching themes constituted the principal components of the final community-based ecotourism model and provided the analytical structure through which the economic, social, institutional, and environmental dimensions of tourism development were interpreted.

The thematic analysis identified four interconnected overarching themes: local participation, empowerment, economic benefits, and environmental conservation. Local participation comprised economic and entrepreneurial participation, involvement in presenting and safeguarding local culture, participation in the tourism value chain and benefit distribution, involvement in tourism decision-making and policymaking, and participation in capacity-building and empowerment processes. At the more operational level, participants emphasized employment in ecolodges, guesthouses, restaurants, transportation, handicraft production, local food services, and other tourism businesses, while simultaneously stressing that

residents should be recognized as principal owners and beneficiaries rather than merely workers or service providers. The findings therefore suggest a transition from implementation-oriented participation toward governance-oriented participation, an interpretation consistent with research emphasizing genuine community influence over tourism planning and management (10, 13). Empowerment included tourism skills training, entrepreneurial and marketing capability development, diversification of local businesses, establishment of local tourism value chains, and improved access to markets, finance, and regulatory permits. Specific mechanisms included hospitality training, communication with tourists, business management, digital marketing, product packaging, development of ecolodges and small businesses, connection of accommodation providers with farmers, handicraft producers and local guides, and converting local cultural assets into sustainable economic opportunities. These dimensions correspond closely to contemporary approaches that conceptualize capacity building as a prerequisite for meaningful community control and economic empowerment (15, 17). The economic-benefit theme consisted of two major dimensions: linking tourism to the local economy and creating mechanisms for retaining tourism benefits within the destination. Participants identified economic leakage, limited local employment, short tourist stays, weak commercialization of handicrafts, limited access to tourism markets, and disconnected local production chains as important constraints. Conversely, direct sales, local cooperatives, digital marketing, stronger linkages among tourism enterprises, longer visitor stays, and equitable distribution among households were identified as mechanisms for improving local benefit retention, reflecting findings from community-based ecotourism research on livelihood improvement and rural economic development (18, 25). Environmental conservation included controlling uncontrolled mass tourism, destination carrying-capacity assessment, spatial and temporal distribution of tourists, environmentally appropriate infrastructure, waste and pollution management, tourist education, community participation in conservation, interinstitutional cooperation, and reinvestment of tourism revenue in destination protection. This finding reinforces the proposition that community-based ecotourism becomes sustainable when economic incentives and conservation responsibilities are institutionally connected (6, 14).

The findings indicate that community-based ecotourism in Chaharmahal and Bakhtiari should be understood as an integrated system rather than as a collection of independent development interventions. Empowerment functions as an institutional foundation for participation because communities cannot effectively influence tourism governance if they lack business knowledge, market access, financial resources, managerial competencies, or familiarity with regulatory processes. Participation, in turn, provides the institutional space through which acquired capacities can be converted into decision-making influence, ownership, and access to tourism value chains. This reciprocal relationship between participation and empowerment has been repeatedly emphasized in community-based tourism scholarship (13, 17). The findings further demonstrate that economic benefits represent more than increased tourism revenue; the critical issue is whether such revenue circulates within the destination and reaches local households, enterprises, producers, and service providers. If tourism products and services are predominantly supplied externally, increased tourist arrivals may coexist with limited local development. Strengthening connections among ecolodges, agricultural producers, handicraft makers, local food providers, guides, transport operators, and cultural enterprises can therefore reduce economic leakage and increase the local multiplier effect. Similar studies have shown that community-based ecotourism can contribute to sustainable livelihoods when local ownership, enterprise development, and benefit-sharing structures are incorporated into destination management (4, 15, 18). Environmental conservation forms another essential component of this system because the natural and cultural resources on which ecotourism depends can be damaged by unmanaged tourism growth. Thus, visitor management, carrying-capacity assessment, environmental education, appropriate infrastructure development, and community-based monitoring should accompany tourism expansion (6, 14). The model consequently implies a reinforcing cycle in which empowerment increases participation capacity, effective participation

improves access to ownership and benefits, economic benefits strengthen incentives for conservation, and successful conservation maintains the environmental and cultural quality necessary for the long-term competitiveness of the destination. Such an interpretation also explains why symbolic participation or isolated training programs are unlikely to generate sustainable outcomes when communities continue to lack market access, ownership, or decision-making authority (10, 12). Tourism policy should therefore shift from project-based interventions toward integrated destination governance based on community capacity, meaningful representation, local ownership, transparent benefit distribution, and conservation-oriented reinvestment.

The study concludes that a sustainable community-based ecotourism model for Chaharmahal and Bakhtiari Province depends on the coordinated operation of four mutually reinforcing dimensions: community empowerment, meaningful local participation, environmental conservation, and the generation and retention of economic benefits within the destination. Empowerment should enable local residents to develop tourism, entrepreneurial, managerial, marketing, and digital capabilities and obtain practical access to finance, markets, permits, and tourism value chains. Participation should extend beyond employment or service provision and include decision-making, destination management, cultural representation, ownership, and benefit distribution. Economic development should be evaluated not merely by the volume of tourist expenditure but by the degree to which tourism revenue remains within local communities, supports locally owned enterprises, generates sustainable employment, and strengthens connections among accommodation, agriculture, handicrafts, food, transportation, guiding, and other locally supplied services. Environmental conservation should simultaneously be institutionalized through carrying-capacity management, appropriate infrastructure, visitor regulation, waste management, community-based monitoring, and the allocation of tourism-generated resources to conservation activities. The proposed model therefore conceptualizes community-based ecotourism as a feedback system in which stronger local capacities enable deeper participation, deeper participation increases access to economic opportunities and decision-making, tangible benefits strengthen community commitment to environmental and cultural protection, and effective conservation sustains the resource base upon which tourism development depends. From a policy perspective, tourism development in the province should consequently move beyond conventional indicators such as visitor numbers, accommodation capacity, and total tourism revenue and incorporate measures of local business ownership, household benefit distribution, participation in governance, effectiveness of capacity-building programs, local value-chain integration, environmental carrying capacity, and the proportion of tourism revenue reinvested in conservation. Such an integrated approach can provide a more locally responsive basis for sustainable destination development while simultaneously improving community welfare, environmental resilience, cultural continuity, and the long-term competitiveness of tourism in Chaharmahal and Bakhtiari Province.

References

1. Hussain I. An Overview of Ecotourism. *International Journal of Novel Research and Development*. 2022;7(3):471-81.
2. Baloch MA, Wang B, Iqbal K. The Nexus between Tourism, Renewable Energy, and CO2 Emissions in Pakistan. *Environmental Science and Pollution Research*. 2019.
3. Suhartanto D, Amalia FA, Novianti S, Awaludin I. Breaking Barriers through Cultural Sensitivity and Community Engagement in Ecotourism. *Tourism Planning & Development*. 2021:1-17.
4. Khuon K, Lonn P, Nhung S. Challenges and Potentials of Community Based Ecotourism in Livelihood Improvement: A Case Study of Preah Nimith CBET, Cambodia. 2021.
5. Ceballos-Lascuráin H. Tourism, Ecotourism, and Protected Areas: The State of Nature-Based Tourism around the World and Guidelines for Its Development: IUCN; 1996.
6. Weaver DB. *Sustainable Tourism: Theory and Practice*: Elsevier Butterworth-Heinemann; 2006.
7. Rahmani H, Sadeghi A, Nouri A. Barriers to Community-Based Ecotourism in Rural Iran: A Case Study of Chaharmahal and Bakhtiari Province. *Iranian Journal of Tourism Research*. 2020;15(2):55-70.

8. Javadi M, Lashkarizadeh M. The Role of Local Community in Ecotourism Development in Iran. *Tourism Management Studies*. 2018;13(4):77-89.
9. Mohammadi Dehcheshmeh M, Zangiabadi A. Feasibility Study of Ecotourism Capabilities in Chaharmahal and Bakhtiari Province Using the SWOT Method. *Environmental Studies Quarterly*. 2008;34(47):1-10.
10. Hosseini SM, Ghaffari GR, Rezaei M. Community Participation in Sustainable Tourism Development in Iran: Challenges and Opportunities. *Journal of Sustainable Tourism Studies*. 2021;9(3):45-62.
11. Ceballos-Lascuráin H. *The Future of Ecotourism*. 1987.
12. Giampiccoli A, Mtapuri O. Community-Based Tourism and Pro-Poor Tourism: Discourse, Divergences and Implications for Development. *Tourism Planning & Development*. 2017;14(2):211-28.
13. Scheyvens R. Ecotourism and the Empowerment of Local Communities. *Tourism Management*. 1999;20(2):245-9.
14. Honey M. *Ecotourism and Sustainable Development: Who Owns Paradise?*: Island Press; 2008.
15. Irmawati I, Hasnawati H. Community-Based Ecotourism Strategy for Local Economic Empowerment: A Case Study of Bone Region, Indonesia. *Journal of Environmental and Heritage Studies*. 2024;7(2):45-62.
16. Ramos-García JP, Ibarra-Michel M, Velarde-Valdez M. Community-Based Ecotourism Management: A Case Study of a Tourism Cooperative in Mazatlán, Mexico. *Current Issues in Tourism*. 2018;21(10):1163-78.
17. Pawar B, Chakraborty A. *Exploring Sustainability: A Study on the Prospects and Capacity Building of Community-Based Ecotourism (CBET) in the Indian Tourism Sector*. Emerald Publishing; 2025.
18. Cheruiyot S, Kiarie L. Community-Based Ecotourism and Its Impacts on Sustainable Rural Livelihoods: An Empirical Study in Kenya. *Journal of Ecotourism*. 2020;19(3):245-62.
19. Sharma R, Savita. *Green Technologies: Kingpin for Sustainable Development*. Emerald Publishing; 2025.
20. Braun V, Clarke V. Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*. 2006;3(2):77-101.
21. Kiger ME, Varpio L. Thematic Analysis of Qualitative Data: AMEE Guide No. 131. *Medical Teacher*. 2020;42(8):846-54.
22. Nowell LS, Norris JM, White DE, Moules NJ. Thematic Analysis: Striving to Meet the Trustworthiness Criteria. *International Journal of Qualitative Methods*. 2017;16:1-13.
23. Saunders CH, Sierpe A, von Plessen C, Kennedy AM, Leviton LC, Bernstein SL. Practical Thematic Analysis: A Guide for Multidisciplinary Health Services Research Teams Engaging in Qualitative Analysis. *BMJ*. 2023;381:e074256.
24. Byrne D. A Worked Example of Braun and Clarke's Approach to Reflexive Thematic Analysis. *Quality & Quantity*. 2022;56(3):1391-412.
25. Subedi N, Panta M. The Role of Community-Based Ecotourism in Rural Sustainable Development: A Case Study in Nepal. *Tourism Management Perspectives*. 2021;38:100812.